

یادداشت

تأثیر تنش خاورمیانه در بازار طلا

شیوه مبادله طلا تغییر کرد

نسیم‌مسیبی

♦ با آتش بس جنگ میان ایران و اسرائیل، قیمت طلا در بازار جهان ریزشی شد. بهای هر اونس طلا که در اوج تنش‌ها به سه هزارو ۴۳۲ دلار رسیده بود، با فروکش کردن آتش جنگ به سه هزارو ۳۳۳ دلار تا زمان نگارش گزارش رسید. فعالان بازار طلا می‌گویند زمان تنش، طلا به عنوان دارایی امن تلقی شده و قیمت صعودی می‌شود؛ اما اکنون با آتش‌بس جنگ ایران و اسرائیل، معاملات بازار طلا هنوز به حالت عادی برگشته است و فعالان این بازار می‌گویند معاملات کلان به صورت مبادله طلا با طلاست.

نوسان نرخ طلا؛ از جنگ جهانی تا شکل‌گیری صندوق بین‌المللی پول

نرخ طلا طی سال‌ها از زمان بین دو جنگ جهانی که با رکود مواجه شد تاکنون، در اثر تحولات مهم جهان تحت تأثیر و نوسان قرار گرفته است. در دوران بحران اقتصادی دهه ۳۰ میلادی، ایالات متحده سیاست اقتصادی حمایت‌گرایی و انزوا را در پیش گرفت. در سال ۱۹۳۳ ارزش طلا ۳۵ دلار به‌ازای هر اونس تثبیت شد. پس از سال ۱۹۳۴، دلار آمریکا در مقابل سایر ارزهای اصلی قدرت بیشتری گرفت و پس از بعد از جنگ جهانی دوم، سرمایه‌گذاران بیشتر راغب بودند تا معاملات و مرادوات خود را بر مبنای دلار آمریکا انجام دهند. در همان دوران بود که ذخایر طلای کشورهای اروپایی به میزان بسیار زیادی به‌سوی ایالات متحده گسیل شد. درنتیجه در سال ۱۹۴۴ میلادی، ۴۴ کشور دنیا در اجلاس برتون وودز که در نیوهمشایر آمریکا برگزار شد، یک سیستم جدید ارزی بین‌المللی را که پاسخ‌گوی نیازهای تجارت بین‌الملل آن زمان بود، بنیان نهادند. تأسیس صندوق بین‌المللی پول (IMF) از نتایج همین اجلاس بوده است. صندوق بین‌المللی پول که با هدف کمک و اعطای تسهیلات به کشورهای با اقتصاد ضعیف تشکیل شد، همواره ناگزیر از فروش طلا و استفاده از عواید آن برای انجام مقاصد خود بوده است. این نهاد بین‌المللی با فروش طلا، از یک سو حمایت اقتصادهای قوی را کسب می‌کند و از سوی دیگر زیان‌های ناشی از وام‌های اعطایی را پوشش می‌دهد. در نمونه‌های دیگر، سال ۲۰۱۳ سالی کابوس‌وار برای طلا بود. آمار بهبود اوضاع اقتصادی ایالات متحده که به تقویت دلار آمریکا انجامید، دلیل اصلی کاهش تقاضای طلا بود. در این سال قیمت‌های طلا از هزارو ۶۲۰ دلار در ابتدای سال به محدوده هزارو ۲۰۰ دلار کاهش یافت و بیش از ۲۸ درصد افت قیمت در یک سال را تجربه کرد. در سال ۲۰۱۳ کاهش رشد اقتصادی دو کشور مهم مصرف‌کننده طلا یعنی چین و هند نیز روند نزولی طلا را تقویت کرد.

صعود نرخ طلا همسو با تنش‌ها بین ایران و اسرائیل

با حمله اسرائیل به ایران در روز سیزدهم ژوئن (۲۳ خرداد)، بلافاصله نرخ طلا ی جهانی با افزایش روبه‌رو شد. رویترز در گزارشی روز نوزدهم ژوئن اعلام کرد طلا تا قیمت سه هزارو ۳۳۵ دلار در هر اونس معامله شد. هتته گذشته، بولومبرگ نیز در گزارشی اعلام کرد طلا به دلیل تقاضای سرمایه‌گذاران به عنوان یک دارایی امن، تا ۱.۸ درصد افزایش یافت، اما سپس (بعد از بالاگرفتن تهدیدها از سوی هر دو کشور) بخشی از سود خود را از دست داد. با این حال اعلام آتش‌بس نرخ طلا را در بازار جهانی نزولی کرد. محمد کشتی‌آرای، رئیس سابق اتحادیه طلا و جواهر، در گفت‌وگو با «شرق» با اعلام اینکه قیمت طلا و فلزات گرانبها مخصوصاً نقره و پلاتین تحت شرایط موجود به‌شدت افزایش یافته است، می‌گوید: باوجود به افزایش تقاضا در بازارهای جهانی برای پلاتین، میزان درصد افزایش آن به نسبت طلا بیشتر است. کشتی‌آرای تأکید می‌کند که از تنش‌ها در خاورمیانه ادامه نداشته باشد. بهای طلا نزولی می‌شود. در غیر این صورت بی‌ثباتی می‌شود که طلا به عنوان پشتوانه امن، تقاضای بیشتری داشته باشد و با نوسانات افزایشی روبه‌رو شود. رئیس سابق اتحادیه طلا و جواهر در واکنش به افرادی که از طلا به عنوان سرمایه امن خود استفاده کرده و در حال حاضر با سردرگمی در بازار مواجه شده‌اند، می‌گوید: مسلم است که قدرت نقدشوندگی طلا از فلزات دیگر به صورت قابل توجهی بیشتر است، اما درحال‌حاضر نمی‌شود توصیه خاصی به مردم کرد. البته این موضوع نیز زیاد بیان شود که فروشندگان طلا در کشور فعلی فروش طلا ندارند و فقط طلا با طلا مبادله می‌کنند. پس بهتر است که مردم در آرامش بازار داد و ستد داشته باشند و در این شرایط عجله نکنند.

نقش بانک‌های مرکزی در نوسان نرخ طلا چیست؟

با وجود کنارترفتن نظام استاندارد پولی طلا، بانک‌های مرکزی کشورها همچنان طلا را برای حفظ ارزش دارایی‌ها در تضمین پرداخت تعهدات مالی خود از جمله سپرده‌های بانکی و همچنین به عنوان پشتوانه‌ای برای پول نگهداری می‌کنند. داشتن ذخایر طلا کافی برای یک کشور این امکان را به اقتصاد آن می‌دهد که در مواقع لزوم اقدام به خرید پول داخلی کرده و از افزایش نقدینگی در کشور جلوگیری کند. همچنین بانک‌های مرکزی برای کاهش ریسک ناشی از تغییرات قیمت ارزها در بازار جهانی به افزایش حجم ذخایر طلای خویش روی می‌آورند. این همان دلیلی است که کشور چین در سال‌های اخیر به خرید مقادیر زیادی طلا روی آورد تا با افزایش ذخایر پول، بول ملی خود را به عنوان ارزی معتبر در مبادلات بین‌المللی جایگزین دلار کند.

واردات طلا؛ مدیریت پیش از بحران؟

پیش از این در خبری که «شرق» روز ۲۱ فروردین منتشر کرده بود، به واردات ۱۰۰ تن طلا به اشکاف خام به ارزش بیش از ۵۱ میلیارد دلار در سال گذشته اشاره شده است. در این گزارش نتیجه‌گیری شد که ایران در میان پنج کشور اول جهان در خرید طلا (چین، هند، آمریکا و امارات) قرار گرفته است و آن‌طور که محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی اعلام کرده، ایران جزء بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر استراتژیک طلاست. با استناد به این خبر می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش ذخایر طلا در کشور، پیش از ورود به جنگ تمهیداتی در کشور اندیشیده شده و از این نظر جای نگرانی وجود ندارد. اما آنچه برای مردم حائز اهمیت است، داشتن درایت و صبر کافی در وضعیت متزلزل بازار است.

آگهی دعوت از بستانکاران(نوبت دوم)

شرکت پیشگامان کسب و کار های نوین خاور میانه – در حال تصفیه (مسئولیت محدود) به شماره ثبت ۲۱۵۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۰۷۰۱۶۸
در اجرای ماده۱۱۵اصلحیه قانون تجارت ازکلیه بستانکاران شرکت پیشگامان کسب وکارهای نوین خاورمیانه در حال تصفیه (مسئولیت محدود) به شماره ثبت ۲۱۵۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۰۷۰۱۶۸که آگهی انحلال آن در صفحه ۳ روزنامه رسمی کشور به شماره ۲۳۳۱۸ مورخ ۱۳/۰۱/۱۴۰۲ درج گردیده است، دعوت به عمل می آید تا ظرف مدت حداثر یک سال از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول (حداکثر تا تاریخ ۱۸/۰۵/۱۴۰۵) با ارائه مدارک مثبته ادعای خود به مدیر تصفیه، خانم فرخنده مقیمی بیهندی به شماره همراه ۰۹۱۰۰۴۷۳۰۷، مستقر در آدرس تهران، شهرک پاس فرهنگیان، خیابان ارشاد، خیابان روشنائی، پلاک ۱۴، واحد: یکد پستی: ۱۴۶۴۸۵۳۴۱۳ مراجعه نمایند. بدیهی است شرکت و مدیر تصفیه در مورد هرگونه ادعای احتمالی که خارج از مدت فوق به شرکت منعکس گردد، مسئولیتی نخواهند داشت.

با احترام – فرخنده مقیمی بیهندی مدیر تصفیه

«شرق» تأثیر ۳ جنگ مهم روسیه و اوکراین، غزه و اسرائیل و ایران و اسرائیل را بر معادلات اقتصاد انرژی بررسی می‌کند

نظم فروپاشیده بازار انرژی

مریم شکرانی: سه جنگ مهم در سال‌های اخیر یعنی جنگ روسیه و اوکراین، جنگ غزه و اسرائیل و حالا جنگ ایران و اسرائیل، معادلات بازار انرژی جهان را دستخوش تغییرات مهمی کرده است؛ تغییراتی که می‌تواند تا حد تأثیرگذاری بر تصمیمات سیاسی منطقه و حتی جهان اثرگذار باشد. مهم‌ترین تأثیر جنگ‌های اخیر بر اقتصاد و بازار انرژی جهان، نزدیک‌کردن روسیه، چین و ایران به یکدیگر است؛ اتفاقی که برای آمریکا و شخص دونالد ترامپ، کلیددار فعلی کاخ سفید، هرگز خوشایند نیست و می‌تواند بر تصمیمات سیاسی او تأثیر بگذارد.
تا پیش از شروع جنگ روسیه و اوکراین، روسیه چیزی نزدیک به ۶۰ درصد گاز اروپا را تأمین می‌کرد و یکی از بزرگ‌ترین تأمین‌کنندگان نفت قاره سبز بود. با وقوع این جنگ، بازارهای انرژی اروپا نفت و گاز روسیه را تحریم و تلاش کردند تا سایر تولیدکنندگان نفت و گاز را جایگزین روسیه کنند؛ در عین اینکه سیاست اصلی خود را بر توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر گذاشتند. پس از وقوع جنگ غزه و اسرائیل و بالاگرفتن تنش در خاورمیانه، پیش از هر چیز نگرانی برای تجارت نفت و کالا از تنگه باب‌المندب و سپس تنگه هرمز بالا گرفت و حالا جنگ ایران و اسرائیل نگرانی‌های جدی چین را برای خرید نفت از کشورهای عربی حوزه آبی خلیج فارس به دنبال داشته است.

جنگ و بازار انرژی

سه جنگ مهم سال‌های اخیر، بازار انرژی جهان و مسیرهای انتقال انرژی را دستخوش تغییراتی بزرگ کرده است. تا پیش از شروع جنگ روسیه و اوکراین، روسیه چیزی نزدیک به ۶۰ درصد گاز اروپا را تأمین می‌کرد و یکی از بزرگ‌ترین تأمین‌کنندگان نفت قاره سبز بود. با وقوع این جنگ، بازارهای انرژی اروپا، نفت و گاز روسیه را تحریم و تلاش کردند تا سایر تولیدکنندگان نفت و گاز را جایگزین روسیه کنند؛ در عین اینکه سیاست اصلی خود را بر توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر گذاشتند. این اتفاق در حالی رخ داده است که افزایش قیمت انرژی بسیاری از صنایع مهم اروپا را به تعطیلی کشانده است و تورم دورقمی و کاهش رشد اقتصادی کشورهای عضو اتحادیه اروپا را تهدید کرد.
باین‌حال، اروپا در گام اول تلاش کرد برای تأمین نفت و گاز مورد نیاز خود، برخی کشورهای خاورمیانه از جمله قطر و امارات را جایگزین روسیه کند، اما وقوع جنگ غزه و اسرائیل، بار دیگر این معادلات را به هم ریخت و تنگه باب‌المندب به عنوان یک آبراهه حیاتی انتقال نفت و کالا به اروپا توسط حوثی‌های یمن و در حمایت از فلسطین ناامن شد، مسئله به همین‌جا ختم نشد و وقوع جنگ سوم یعنی جنگ ایران و اسرائیل، نگرانی‌های دیگری برای تأمین نفت و گاز از خاورمیانه ایجاد کرد.

چین، نگران جنگ در خاورمیانه

این نگرانی‌ها به‌ویژه برای دومین اقتصاد جهان یعنی چین بوده است. چین بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان است و در سال‌های اخیر، سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در بخش نفت و گاز کشورهای عربی حوزه آبی خلیج فارس انجام داده است. درواقع پکن نه‌تنها بزرگ‌ترین واردکننده نفت از منطقه خلیج فارس است و یک‌سوم نفت مصرفی چین از خلیج فارس به این کشور صادر می‌شود، بلکه سرمایه‌گذاری‌های عظیمی نیز در صنعت نفت و گاز این منطقه انجام داده است. به گزارش عرب‌نیز، خاورمیانه حدود یک‌سوم نفت جهان را تأمین می‌کند و چین، دومین اقتصاد بزرگ جهان، بزرگ‌ترین واردکننده نفت در جهان است. در این میان، کشورهای عربی حوزه آبی خلیج فارس نقش مهمی در تأمین نفت مورد نیاز چین به عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان دارند. به عبارت دیگر، گرچه پکن حضور مستقیمی در این منطقه ندارد، اما این امر به این معنا نیست که منفاعی در آن ندارد. چندی پیش روزنامه نیویورک‌تایمز نوشت یک مسئله باعث می‌شود چین در مورد آنچه در منطقه میان

«شرق» تأثیر ۳ جنگ مهم روسیه و اوکراین، غزه و اسرائیل و ایران و اسرائیل را بر معادلات اقتصاد انرژی بررسی می‌کند

اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها اتفاق می‌افتد، بی‌طرف بماند؛ چراکه دامن‌زدن به تنش بین فلسطین و اسرائیل می‌تواند باعث تنش‌های ژئوپلیتیکی در خاورمیانه و به خطر افتادن منافع اقتصادی چین شود؛ زیرا چین بزرگ‌ترین واردکننده نفت از منطقه خلیج فارس است و یک‌سوم نفت مصرفی چین از خلیج فارس به این کشور صادر می‌شود. گذشته از این، در سال‌های تحریم و اعمال تخفیف در قیمت نفت ایران، سبب شده است چین بزرگ‌ترین مشتری نفت ایران باشد و این انگیزه چین را برای برقراری آرامش در خاورمیانه تشدید می‌کند. در همین زمینه، اندون پاولوف، تحلیلگر ارشد پالایش و فرآورده‌های نفتی در شرکت تحلیلی کپلر در وین، به نیویورک‌تایمز گفت: «چین همچنین خرید نفت بیشتر از ایران را آغاز کرده است. چین واردات نفت از ایران را بیش از سه برابر افزایش داده و ۸۷ درصد صادرات نفت ایران را در ماه گذشته خریداری کرده است». فیلیپ اندروز اسپید، متخصص سیاست نفتی چین در دانشگاه ملی سنگاپور گفت: چین در برابر بی‌ثباتی کنونی در خاورمیانه بسیار آسیب‌پذیر است، به‌خصوص اگر تشدید شود. او افزود: چین، دومین اقتصاد بزرگ جهان، با سرعت شگفت‌انگیزی به نفت خارجی اعتماد پیدا کرده است. تا همین اواخر، در اوایل دهه ۱۹۹۰، چین از نظر نفتی خودکفا بود. اکنون برای تأمین حدود ۷۲ درصد نفت مورد نیاز خود به واردات وابسته است. شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهوری چین، بارها گفته است: «تأمین انرژی و امنیت برای توسعه ملی و معیشت مردم بسیار تعیین‌کننده است و برای کشور مهم هستند و نمی‌توان آنها را در هیچ لحظه‌ای نادیده گرفت». هرچند چین سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در خودروهای برقی انجام داده است، بیل روسو، مشاور خودرو در شانگهای گفت که چین اکنون بر تولید جهانی خودروهای برقی سیطره دارد و یک‌سوم خودروهای فروخته‌شده در چین برقی هستند. باین‌حال، مصرف نفت در چین علی‌رغم رونق خودروهای برقی همچنان بالاست.

روسیه جایگزین چین برای تأمین انرژی

حالا با وقوع جنگ بین ایران و اسرائیل، وال‌استریت‌ژورنال نوشته است که چین با تشدید نگرانی‌های انرژی ناشی از جنگ اسرائیل و ایران، علاقه خود را به خط لوله گاز روسیه تجدید می‌کند.

وال‌استریت‌ژورنال به نقل از منابعی در چین گزارش داد که درگیری اخیر بین اسرائیل و ایران، پکن را بر آن داشته است تا علاقه خود را به خط لوله قدرت سیبری ۲ و گسترش واردات گاز طبیعی روسیه تجدید کند. مذاکرات درباره این پروژه مدت‌ها به دلیل اختلاف‌نظر در مورد قیمت‌گذاری و مالکیت و همچنین تمایل‌نداشتن چین به تعمیق وابستگی انرژی خود به روسیه متوقف شده بود، اما وقوع جنگ در خاورمیانه باعث شده است مقامات چینی خطرات مرتبط با تأمین نفت و گاز از منطقه را دوباره بررسی کنند. طبق گزارش شرکت مشاوره‌ای رستاد انرژی، تقریباً ۳۰ درصد از واردات گاز طبیعی چین به شکل گاز طبیعی مایع از قطر و امارات متحده عربی و از طریق تنگه هرمز که ایران در طول جنگ تهدید به بستن آن کرده بود، وارد می‌شود. منابع به وال‌استریت‌ژورنال گفتند حتی با وجود توقف خصومت‌ها، این درگیری چین را به دنبال گزینه‌های جایگزین سوق داده است. الکساندر گابوینف، متخصص روابط چین و روسیه گفت: «نوسانات و غیرقابل پیش‌بینی بودن وضعیت خاورمیانه به چین نشان داده است که تأمین پایدار خط لوله زمینی مزایای ژئوپلیتیکی دارد. روسیه می‌تواند از آن بهره‌مند شود». تحلیلگران همچنین می‌گویند چین به دنبال افزایش خرید نفت از روسیه است. منابعی که وال‌استریت‌ژورنال به آنها استناد کرده است، گفته‌اند درحالی‌که دولت ترامپ به دنبال «ایجاد اختلاف» بین مسکو و پکن است، چین به دنبال تعمیق همکاری خود با روسیه است. احیای پروژه خط لوله متوقف‌شده می‌تواند به پیشبرد این هدف کمک کند. با این شرایط، شاید بتوان گفت بازار انرژی جهان می‌تواند یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده تصمیمات سیاسی در خاورمیانه باشد؛ چراکه حالا بازار انرژی و به دنبال آن اقتصاد جهان، پس از سه سال‌های اخیر در وضعیت شکننده‌ای قرار گرفته است.

توقف توسعه؛ سر نوشت محتوم جامعه گرفتار در دام پوپولیسم

نداشته باشند یا نهادهای موجود توسط پوپولیسم تهی شده باشند، چند پیامد محتوم می‌شود:
۱. فراسرمایه انسانی و مالی
۲. ناتوانی دولت در انجام اصلاحات سخت
۳. تشدید نابرابری و رانتی شدن بازارها
۴. بی‌ثباتی مزمن در انتظارات اقتصادی و سرمایه‌گذاری.
در چنین بستری، رشد اقتصادی اگر هم رخ دهد، نه پایدار است، نه متوازن و نه توزیع‌پذیر.

راه نجات کجاست؟

عجم‌واغلو بارها تأکید کرده است که تنها مسیر خروج از چرخه پوپولیسم، ساختن نهادهایی مستقل، پاسخ‌گو و مشارکت‌محور است. این نهادها باید قادر باشند در برابر وسوسه تصمیم‌گیری هیجانی مقاومت کنند و مسیر اصلاحات بلندمدت را باز نگه دارند. در ایران امروز، این مسیر نیازمند یک ائتلاف فراتر از رقابت‌های روزمره است؛ ائتلافی که هم در دولت و هم در جامعه مدنی، آمادگی پذیرش تصمیم‌های سخت و آینده‌نگر را داشته باشد.

جمع‌بندی

توسعه واقعی، نه از محل تزریق منابع، بلکه از مجرای اصلاح نهادها و رهایی آنها از سلطه پوپولیسم آغاز می‌شود و تا زمانی که اقتصاد، اسیر رضایت‌طلبی لحظه‌ای باشد، سیاست نیز از چرخش به سوی حکمرانی عقلانی باز خواهد ماند.

***مدیر پژوهش و بررسی‌های اقتصادی**

اتاق بازرگانی اصفهان

یادداشت

مفهوم آتش‌بس و آثار حقوقی آن

وضعیتی که با امضای این سند ایجاد می‌شود بین جنگ و صلح است. پس ما نمی‌توانیم امضای سند ترک منحصه را قرارداد صلح به حساب آوریم. براساس قرارداد صلح نه‌تنها جنگ به‌طورکامل بین طرفین خاتمه پیدا می‌کند، بلکه شرایط زمان صلح نیز مشخص می‌شود. به عبارت دیگر در قرارداد صلح تکلیف همه مسائل طرفین مانند مسائل اقتصادی، سیاسی، تعیین متجاوز، نحوه جبران خسارت، مرزها و سایر موارد به‌طور دقیق مشخص می‌شود. البته پیمان صلح همیشه پس از مذاکرات طولانی و امضای مقامات ذی‌صلاح و تصویب مجلس تحقق می‌یابد. برای نمونه می‌توان به پیمان صلح بین مصر و اسرائیل در سال ۱۹۷۹ اشاره کرد. با این وصف نمی‌توان پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ ایران و عراق که ابتدا توسط ایران پذیرفته شد، سپس عراق آن را پذیرفت، یک پیمان صلح به حساب آورد. پذیرش قطع‌نامه و توافق ایران و عراق یک نوع ترک منحصه بود. پیمان صلح باید مراحل قانونی خود را در مراجع بین‌المللی بگذراند و طبق قانون اساسی ایران در مجلس تصویب شود و به امضای رئیس‌جمهور برسد، همچنین براساس پیمان صلح باید متجاوز تعیین و خسارات وارنده جبران شود. این موارد در جنگ ایران و عراق انجام نشد. از طرف دیگر ترک منحصه یک سند رسمی ولی موقتی است که طبق رویه حاکم معمولاً مدت این‌گونه توافق‌ها کوتاه‌تر از جنگ و صلح پایدار و قانونی قرار می‌دهد. شاید به‌دلیل سقوط رژیم عراق و رابطه دوستانه بین رژیم جایگزین با کشور ایران تاکنون به این بحث‌ها پرداخته نشده است. با این‌وصف طبق حقوق بین‌الملل ما نمی‌توانیم ترک منحصه ایران و عراق را یک پیمان صلح تلقی کنیم، همان‌طورکه نمی‌توانیم آتش‌بس کنونی ایران و رژیم اسرائیل را ترک منحصه محسوب کنیم. هریک از این واژه‌ها از لحاظ حقوقی مفهوم و آثار خاص خود را دارد و با آنچه در مباحث سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد متفاوت است. ضروری است در جای دیگر علاوه بر بررسی دقیق این مفاهیم، مفهوم جنگ و درگیری بین کشورها و تفاوت آن با وضعیت‌های دیگر که با جنگ شباهت دارد، ولی مشمول مقررات بین‌المللی جنگ نیست روشن شود.

به نیابت از اروپاییان و اعراب

رهبان اروپا و اعراب این را باید به درستی درک کنند. خنثی‌سازی مصر، سوریه و اردن و ایجاد تسلط از طریق اقدامات نرم در بحرین و امارات و قراردادن جایای محکم در این کشورها، مقدمه کار بعدی‌شان است. فردا بحرین و امارات از ترس لطمه‌خوردن به منافع خود، خواهی‌شان مانند اردن امروز، دستور اسرائیل را اجرا خواهند کرد. قراردادهای سنگین و دهان‌پرکن آنان به آمریکا مانع تجاوزات و تحکم و حاکمیت اسرائیل بر آنها نخواهد بود. حتی در آینده مجبور خواهند شد سیاست‌های اقتصادی و قیمت کالاهای خود را قبیل نفت، گاز و پتروشیمی و انتخاب مشتریان را در نظر اسرائیل انجام دهند. این کشورها قدم به راهی گذاشته‌اند که پایان آن تحت سطره‌شدن توسط اسرائیل است و اینک رژیم اشغالگر، ایران را مانعی برای سلطه کامل خود بر منطقه خاورمیانه و حتی خاور نزدیک می‌داند و انگاه است که اروپا نه از باب جبران خسارت هولوکاست و یهودی‌آزاری گذشته، بلکه به دلیل در معرض خطر بودن و ترس از اسرائیل، بدون قید و شرط تابع صهیونیست‌ها خواهد بود. اگر به نیات صهیونیست‌ها شکی وجود دارد، این شعر ویلیام بلیک شاعر انگلیسی را که در قرن هجدهم میلادی سروده شده است، نگاه کنید تا واقعیت روشن شود. آیا آن قدم‌های دوران قدیم به کوه‌های سرسبز انگلستان خواهد رسید؟ آیا آن بره مقدس خاوند چراگاه‌های زیبای انگلستان را خواهد دید؟ آیا آن چهره الهی و مقدس بر تپه‌های ابرآلود مقابل‌مان خواهد تابید؟ آیا بیت‌المقدس در این شهر پر از کارخانه تاریک ساخته خواهد شد؟ کمان طلایی آتشینم را برایم بیاورید. تیرهای آرزوهایم را در اختیارم بگذارید. نیازم را برایم بیاورید: آه ای ابرها به کنار روید! ارابه جنگی آتشینم را برایم بیاورید. از جنگ ذهنی دست نخواهم کشید. حتی اگر مشمشیر در دست‌ام به خواب رود، تا بتوانیم بیت‌المقدس را بسازیم، در سرزمین سبز و زیبای انگلستان. ایران سرافراز ایستاده است و وارث نادرمدانی همچون نادرقلی افشار است.